

Legal Validity Analysis of Concessions Agreement in Underground Gas Storage in Depleted Reservoirs

Ali Ghadamyari *

Ph. D. Student in International Oil and Gas Contracts, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mohammad Mahdi Hajian 

Assistant Professor, Private Law Department, Faculty of Politics and Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The development of Underground Gas Storage (UGS) in depleted hydrocarbon reservoirs has always been a priority for industrialized countries. This is mainly because UGS helps in balancing the seasonal supply and demand of gas, managing reservoirs efficiently over time, ensuring the security of gas supply, and fulfilling international contractual obligations. Providing a legal platform and an attractive contract model is crucial to encourage private sector participation in this strategic industry and accelerate UGS development. Concession arrangements are one of the most commonly used and attractive models for UGS development. However, the main question of this research is whether the use of concessional agreements faces any legal prohibitions. To answer this question, the legal challenges facing the application of this contractual model in the oil fields development have been investigated. In this regard, the research verifies whether this industry is upstream or downstream from the legal point of view, and considers the opinions of prominent jurists. After analyzing the unique features of the storage industry, the essential differences between UGS and the traditional development of oil fields, and especially the governmental ownership of the gas that is injected, the conclusion is that the use of concession agreements is allowed.

Keywords: Concessions Agreement, Depleted Reservoirs, Public Ownership, Underground Gas Storage, Upstream

JEL Classification: D86 , K1 , L95 , Q43

* Corresponding Author: Ali.Ghadamyari@gmail.com

How to Cite: Ghadamyari, A., Hajian, M M. (2023). Legal Validity Analysis of Concessions Agreement in Underground Gas Storage in Depleted Reservoirs. Iranian Energy Economics, 47 (12), 155-176.



بررسی اعتبار حقوقی به کارگیری الگوی امتیازی در ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی

دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی قدمیاری *

استادیار گروه حقوق خصوصی و اقتصادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد مهدی حاجیان

چکیده

ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی، از سالیان گذشته همواره مد نظر کشورهای پیشرو در عرصه نفت و گاز بوده تا بتوانند از این طریق بر عدم تعادل در عرضه و تقاضای فصلی غالب شوند و ضمن مدیریت موثر و کارآمد مخازن در طول زمان، امنیت عرضه گاز و ایفای تعهدات بین‌المللی را تضمین نمایند. مهیا نمودن بستر قانونی و ارائه الگوی بهینه و جذاب قراردادی جهت تشویق بخش خصوصی به حضور در این صنعت راهبردی به منظور تسریع در توسعه حداکثری مخازن ذخیره‌سازی، بسیار حیاتی است. با عنایت به این مهم که ترتیبات قراردادی امتیازی در صنعت «ذخیره‌سازی»، از مدل‌های پرکاربرد و جذاب در کشورهای پیشرو است، پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو آن است که آیا به کارگیری الگوی امتیازی در این طرح‌ها با منع قانونی در حقوق موضوعه مواجه است؟ در این راستا، ضمن دقت عمل در بالادستی یا پایین دستی بودن این صنعت از منظر قانون، به بررسی و احصاء چالش‌های حقوقی پیش روی کاربرت این مدل قراردادی در عرصه «ذخیره‌سازی» در حقوق موضوعه و نظریات حقوقدانان برجسته در بحث مالکیت و حاکمیت پرداخته شده است. از این مطالعه این نتایج به دست آمده است: در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد صنعت ذخیره‌سازی، تفاوت‌های ماهوی «ذخیره‌سازی» با توسعه میادین نفتی و بویژه مالکیت دولتی گاز ورودی به طرح «ذخیره‌سازی»، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از الگوی امتیازی از جنبه‌های حاکمیتی و مالکیتی با منع قانونی در حقوق موضوعه مواجه نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: الگوی امتیازی، بالادستی، ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی، مالکیت عمومی، مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی

طبقه‌بندی JEL: Q43 , L95 , K1 , D86

۱. مقدمه

ذخیره‌سازی زیر زمینی گاز طبیعی^۱ از بیش از صد سال پیش تاکنون به عنوان یک فرصت راهبردی جهت غلبه بر عدم تعادل در عرضه و تقاضای فصلی و نیل به تولیدی بدون وقفه، صیانتی و پایدار از مخازن مورد توجه کشورهای پیشرو و صنعتی بوده است لیکن به دلیل نبود قوانین جامع و عدم وجود بستر قانونی مناسب در کشورمان، سرمایه‌گذاری و توسعه این صنعت راهبردی مغفول مانده و علی‌رغم اهمیت موضوع، قوه تقنین و سیاستگذار در سطح کلان ملی توجه کافی به این مسئله راهبردی نداشته‌اند. حضور فعال بخش خصوصی در این صنعت منوط به شناسایی حقوق مرتبط با ذخیره‌سازی و تعیین تکلیف حقوق و تکالیف اطراف قرارداد و مسئولیتهای مرتبط با آن خواهد بود. از مهمترین مسائل در این عرصه، ارائه الگوی بهینه قراردادی است تا زمینه ورود بخش خصوصی به این صنعت و توسعه حداکثری را تسهیل نماید.

ذخیره‌سازی معمولاً در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی، گنبد‌های نمکی و یا سفره‌های آب زیرزمینی صورت می‌پذیرد، بدین صورت که گاز طبیعی در یک دوره زمانی، به فضای متخلخل^۲ مخزن زیرزمینی تزریق^۳ می‌شود و در دوره زمانی بعد مجدداً بازتولید^۴ می‌گردد. پوش سنگ مناسب، حجم کافی مخزن جهت ذخیره گاز، تراوایی مناسب و اطمینان از عدم مهاجرت گاز، از مهمترین ویژگی‌های یک مخزن کاندیدای ذخیره‌سازی به‌شمار می‌رود. فرایند «ذخیره‌سازی»^۵ دارای دو سیکل کاری است، در دوره زمانی تزریق، گاز خشک و فرآورش شده که حاوی هیچ‌گونه هیدروکربن سنگینی نظیر میعانات گازی نیست، طی عملیات ویژه‌ای فشارافزایی و به مخزن تزریق شده و پس از اتمام دوره تزریق، در زمانی مشخص، عملیات تزریق متوقف شده و مخزن به حال خود رها می‌گردد تا شرایط مخزنی کاملاً تثبیت گردد. با فرارسیدن دوره زمانی بازتولید، گاز و میعانات گازی

1. Underground Gas storage (UGS)

2. pore space

3. injection

4. withdrawal

۵. در این پژوهش هرچا سخن از «ذخیره‌سازی» به میان آید، «ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی» مد نظر است. همچنین مراد از اصطلاح «تولید»، تولید بار اول است و هرچا صحبت از «بازتولید» است، مقصود این است که گازی استحصال شده‌است که در گذشته به مخزن تزریق شده‌است. منظور از محتوای بومی مخزن نیز گاز موجود درون مخزن نفتی، قبل از شروع عملیات ذخیره‌سازی است که در متون تخصصی به گاز پایه نیز معروف است.

از مخزن ذخیره‌سازی استحصال گردیده و پس از تفکیک و فرآورش مجدد از طریق خطوط لوله سراسری، منتقل می‌گردند.

هدف از انجام این پژوهش، تسریع در توسعه این صنعت راهبردی به واسطه بهره‌گیری از الگوهای قراردادی جذاب به منظور ایجاد انگیزه و تشویق به حضور حداکثری و مشارکت سرمایه‌گذار بخش خصوصی است ولذا تلاش گردیده تا به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که به کارگیری الگوی امتیازی در طرح‌های ذخیره‌سازی، به عنوان یکی از پرکاربردترین مدل‌های قراردادی در سطح دنیا، در حقوق موضوعه و دکترین حقوقی از ابعاد مالکیتی و حاکمیتی با منع قانونی مواجه است یا خیر، در پاسخ به این پرسش لازم است تا در وهله نخست به این پرسش فرعی پاسخ دهیم که طرح‌های ذخیره‌سازی در زمره فعالیت‌های بالادستی نفت قرار می‌گیرند یا پایین دستی، فرضیه اصلی پژوهش پیش‌رو نیز آن است که کاربست الگوی قراردادی امتیازی در «ذخیره‌سازی» به دلایلی نظیر ماهیت ویژه اینگونه طرح‌ها و دولتی بودن گاز ورودی که موضوع اصلی قرارداد محسوب می‌گردد، دارای وجهت قانونی می‌باشد.

بدین منظور، مقاله حاضر بدین صورت سازماندهی شده است که در بخش دوم و سوم پیشینه و روش پژوهش بیان شده است و در بخش سوم این پژوهش، ضمن بررسی و دقت در ابعاد فنی ذخیره‌سازی، ریزبینی در نوع عملیات نفتی صورت پذیرفته در طرح‌های ذخیره‌سازی از بعد بالادستی یا پایین دستی بودن پرداخته و ضمن اثبات بالادستی بودن «ذخیره‌سازی» مستند به قانون و استدلالات حقوقی، در بخش چهارم ضمن مروری کوتاه بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز، به چالش‌ها و موانع حقوقی کاربست الگوی امتیازی در فعالیتهای مرسوم بالادستی از منظر حقوق موضوعه کشور و دکترین حقوقی پرداخته شده است. در فرجام کار ضمن احصاء ویژگی‌های منحصر به فرد «ذخیره‌سازی» و بیان تفاوت‌های ماهوی آن با توسعه میادین نفتی، دلالت‌های حقوقی - قانونی مجاز بودن استفاده از الگوی قراردادی امتیازی در این صنعت راهبردی احصاء گردیده است.

۲. پیشینه پژوهش

مسئله ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در کشورمان، تاکنون از حیث اقتصادی، فنی و تخصصی مورد توجه پژوهشگران بوده ولیکن از بعد حقوقی و قراردادی تاکنون هیچ تحقیق جامعی در این عرصه صورت پذیرفته است.

۳. روش

این پژوهش با کمک توصیف قوانین، تجزیه و تحلیل آرای داوری و دادگاه‌ها، اصول و قواعد حقوقی و فقهی انجام می‌شود. روش اصلی جمع‌آوری اطلاعات و مطالب، روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع ثانویه مشتمل بر کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی معتبر بوده و ابزار گردآوری اطلاعات، فیش برداری از منابع یادشده می‌باشد.

۴. ذخیره‌سازی صنعتی و بخش بالادستی و پایین دستی نفت

با توجه به تجربه جهانی در این صنعت قدیمی، به نظر می‌رسد که مخازن تخلیه شده هیدروکربنی به عنوان گزینه‌ای کم ریسک و بهینه، می‌تواند بالاترین بازدهی را برای کشورمان در عرصه ذخیره‌سازی به ارمغان می‌آورد (بهرامی کهیش‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲) لذا در مرحله نخست باید بدین مسئله اندیشید که مخزنی که حائز کلیه شرایط فنی - مهندسی ذخیره‌سازی است (کاتز و راسین^۱، ۱۹۸۱، کاتز و لی^۲، ۱۹۹۰)، از لحاظ محتوای هیدروکربنی در چه وضعیتی است. وضعیت مخزن هیدروکربنی کاندیدای ذخیره‌سازی، از دو حال خارج نیست:

● مخزن کاملاً تخلیه شده باشد و فاقد هر گونه هیدروکربن درجا و بومی، از آنجایی که تخلیه کامل یک مخزن هیدروکربنی در عالم واقع، امری غیرممکن است و همواره و در هر شرایطی، مقادیری از هیدروکربن، در مخزن باقی خواهد ماند لذا فرضی باطل است.

● مخزن هنوز تخلیه نشده و دارای محتوای بومی است، در این وضعیت، عملیات ذخیره‌سازی به واسطه ایجاد فعل و انفعالات مخزنی و افزایش فشار، منجر به تولید مقادیری از محتوای بومی مخزن نیز خواهد شد، نظیر آنچه در فرآیندهای بهبود/ازدیاد برداشت مخازن رخ می‌دهد لیکن مقادیر استحصالی محتوای بومی در قیاس با گازی که در هر دوره زمانی از مخزن ذخیره‌سازی استحصال می‌گردد، درصدی ناچیز است و محصول غالب، گازی است که قبلاً به مخزن تزریق شده‌است. بر مبنای تکالیف قانونی در حقوق موضوعه کشور نظیر ماده ۲ قانون نفت (۱۳۶۶) و ماده ۷ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، مالکیت عمومی بر منابع نفتی و

1. Katz and Rasin
2. Katz and Lee

نفت درجا روشن است ولذا اعمال حاکمیت و مالکیت بر آن از سوی حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت گزارده شده است. با کنار گذاشتن فرض اول و بر مبنای فرض دیگر، همواره مقادیری از هیدروکربن درجا در مخزن کاندیدای ذخیره سازی وجود دارد ولذا احکام مربوط به مالکیت بر مخزن کاندیدای ذخیره سازی و هیدروکربن درجای آن با احکام مرتبط با منابع نفتی در حقوق موضوعه تفاوتی نداشته و یک مخزن ذخیره سازی در حکم یک منبع نفتی و در شمار اموال عمومی است.

در پاسخ به پرسش فرعی پژوهش در باب بالادستی یا پایین دستی بودن عملیات ذخیره سازی، اگر ملاک عمل را گاز تزریقی به مخزن در نظر بگیریم، با عنایت به این مهم که گاز مذکور، خروجی پالایشگاه گازی است ولذا ذیل قوانین موجود، تحت رژیم مالکیت دولتی بوده و می توان در دسته فعالیت های پایین دستی جای داد ولیکن اگر ملاک عمل را محتوای بومی موجود در مخزن کاندیدای ذخیره سازی دانست که در مرحله بازتولید از مخزن استحصال می گردد، وصف بالادستی برای آن منطقی تر به نظر می آید. با دقت در فرآیند فنی - مهندسی عملیات ذخیره سازی و دقت نظر در تعاریف قانونی نظیر ماده یک قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰)، که عملیات بالادستی نفت را شامل « کلیه مطالعات، فعالیت ها و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره برداری و صیانت از منابع نفتی، انتقال، ذخیره سازی و...، تزریق گاز، آب، هوا و یا هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی گردد و نیز احداث و توسعه تأسیسات و صنایع وابسته...» می داند و همچنین تعریف «نفت» طبق همین قانون که به کلیه هیدروکربن هایی اطلاق می شود « که به صورت نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، قیر طبیعی، پلمه سنگهای نفتی و ماسه های آغشته به نفت به حالت طبیعی یافت شده و یا طی عملیات بالادستی به دست می آید.» از دیگر سو اصطلاح «ذخیره سازی» نیز در همین ماده اینچنین تعریف شده: « کلیه اقدامات و عملیات مربوط به ذخیره سازی و بازآوری نفت، فرآورده های نفتی و محصولات پتروشیمیایی در مخازن سطحی فلزی، بتنی، زیرزمینی اعم از مغاره های سنگی و نمکی و مخازن تخلیه شده نفت و معادن متروکه است که جهت تحویل به پایانه های صادراتی، تأمین خوراک واحدهای پالایشی و پتروشیمیایی به منظور جلوگیری از توقف فعالیت واحدهای عملیاتی، همسان نمودن و افزایش کیفیت نفت و فرآورده های نفتی و ایجاد توازن بین تولید و مصرف انجام می شود.» استفاد از تعاریف قانونی فوق به نظر می رسد وصف بالادستی برای این صنعت، دقیق تر باشد.

۵. چالش‌های حقوقی کاربری الگوی امتیازی در فعالیت‌های بالادستی از منظر حقوق موضوعه و دکترین حقوقی

در دنیای کنونی، قراردادهای نفتی به عنوان یک ابزار مهم سیاست‌گذاری جهت تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین توسعه منابع نفتی تلقی می‌شود و در واقع وجه تمایز انواع مختلف قراردادهای بالادستی غالباً به تفاوت در ترم‌های مالی قرارداد و کیفیت تراضی طرفین برمی‌گردد. (کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۹) امور و گبو (۱۹۹۷) معتقد است که نظام یا رژیم مالی حاکم بر قراردادها از مهم‌ترین وجوه تفاوت قراردادها با یکدیگر است و به اعتقاد برخی محققان، بیش از هشتاد درصد محتوای قراردادهای بالادستی یکسان بوده و آنچه که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد نظام مالی این گونه قراردادها است. به عقیده بسیاری، هیچ‌یک از انواع قرارداد، به خودی خود خوب یا بد نیست و نوع قرارداد، تنها چارچوبی برای تقسیم منافع ناشی از همکاری خواهد بود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰) از دیدگاه مدیریت بهینه قراردادی، قرارداد بایستی رابطه‌ای متعادل، متوازن و دوسویه بین اطراف قرارداد ایجاد نماید تا متضمن منافع طرفین باشد. (ابراهیمی و عینی، ۱۳۹۷)

قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز براساس دسته‌بندی‌های رایج صورت گرفته، به دو دسته کلی قراردادهای امتیازی و قراردادهای پیمانکاری تقسیم شده که قراردادهای پیمانکاری نیز به دو دسته قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدماتی تقسیم می‌شوند. در سال‌های گذشته، نظام تک‌الگویی قراردادهای نفتی، استفاده از مدل‌های قراردادی غیرجذاب و عدم توازن میان ریسک و پاداش باعث شده که سرمایه‌گذاری در میدین با کندی صورت پذیرد. از میان مهم‌ترین معایب مدل قراردادی رایج در کشور یعنی بیع متقابل، می‌توان به کوتاه مدت بودن قرارداد، عدم انعطاف ابزارهای مالی قراردادی و عدم حضور پیمانکار در مرحله تولید و بهره‌برداری اشاره نمود که نهایتاً منجر به کاهش حضور سرمایه‌گذاران خارجی و عدم تمایل آنها به انعقاد قرارداد در قالب بیع متقابل شده است. (نوری و خوش‌چهره، ۱۳۹۵) الگوی قراردادی موسوم به آی پی سی^۱ نیز از زمان معرفی تاکنون، چندان توفیقی در تشویق و جذب سرمایه‌گذاران نداشته و به عقیده ابراهیمی و عینی (۱۳۹۷) نه شرایط عمومی را توصیف می‌نماید و نه الگوی خاصی را پیشنهاد می‌کند و صرفاً گردآوری برخی اصول و قوانین موجود است.

۱-۵. الگوی امتیازی

امتیاز از لحاظ حقوقی عمدتاً به مفهوم اعطای مجوز انحصاری بهره‌برداری از سوی مقامات یک کشور به طرف خارجی به کار رفته و در لغت به معنای مجوز یا اجازه گرفته شده است. در این الگوی قراردادی، دولت یا مالک زمین که مالک مخزن است به شرکت نفتی بین‌المللی اجازه سرمایه‌گذاری در عملیات اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری و بازاریابی محصول آن میدان را داده و شرکت نفتی با پذیرش کلیه هزینه‌ها، مالک تولیدات در نقطه سرچاه می‌شود. در مقابل نیز عوض‌هایی نظیر اجاره‌بها، بهره مالکانه، پذیره نقدی و مالیات را به دولت میزبان یا مالک زمین پرداخت می‌نماید. (ساردوئی نسب و زندی، ۱۳۹۷)

آثار حقوقی و رویه‌های قضایی در تعریف امتیاز اختلاف نظر داشته و با گذشت زمان نیز تعاریف تغییراتی داشته‌اند. (جائو ژیگو^۱، ۱۹۹۴) در فرهنگ حقوقی بلک لو امتیاز از لحاظ حقوق بین‌الملل، قراردادی است که به موجب آن یک کشور برخی حقوق را به شرکت خارجی واگذار نموده و آن شرکت مشروط به تأیید دولت و با رعایت مفاد قرارداد، عملیاتی نظیر استخراج را انجام می‌دهد.^۲ اعطای امتیاز اکتشاف و استخراج از منابع نفتی به افراد و شرکت‌های دارای صلاحیت از طریق امتیاز و قرارداد، از قدیمی‌ترین روش‌ها بوده و قابل تقسیم به دو نسل قدیم و جدید است. (شیروی، ۱۳۹۳)

در گذر زمان و به جهت ایجاد تعادل بیشتر بین منافع صاحب امتیاز و کشورهای صاحب نفت، در قراردادهای امتیازی سنتی تعدیلاتی ایجاد شد که در مهمترین آن، مالکیت صاحب امتیاز در مخزن و منابع درجا حذف و مالکیت به نفت تولیدی در سرچاه و تاسیسات نصب شده محدود گردید. (شیروی، ۱۳۹۳ طبق عرف متداول، در قراردادهای امتیازی نوین، انتقال مالکیت در سرچاه رخ می‌دهد (جائو ژیگو، ۱۹۹۴) و نفت مادامی که تولید نشده است در مالکیت دولت میزبان باقی می‌ماند (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱ به نقل از پیکتون^۳، ۲۰۰۹) و لذا مالکیت نفت درجا، در این مدل قراردادی منتقل نخواهد شد و صاحب امتیاز هیچ حق عینی نسبت به نفت تا زمانی که در زمین وجود دارد، پیدا نمی‌کند و تنها زمانی که نفت از چاه خارج شد مالک آن می‌گردد (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶) و

1. Gao Zhiguo
2. Black Law Dictionary, 8th
3. Picton-Turbervill, G

صاحب امتیاز پس از پرداخت تعهدات مالی خود به دولت میزبان، اجازه خواهد داشت تا مابقی نفت را به مصرف یا فروش برساند. (عامری و شیرمردی دزکی، ۱۳۹۳)

در نظری مخالف، اثر تملیکی ناشی از قراردادهای امتیازی در نسل قدیم و جدید، متفاوت از یکدیگر فرض نشده و تعارض ترتیبات قراردادی امتیازی با مفهوم مالکیت عمومی بر منابع نفتی را به لحاظ ماهوی نتیجه گرفته است. (بهمنی و آراین، ۱۳۹۷) به نظر می‌رسد که نظر فوق‌الذکر، مستند به موارد زیر قابل تعدیل بوده و این‌گونه می‌توان گفت که الگوی امتیازی جدید بر مالکیت صاحب امتیاز نسبت به محصول تولیدی در سرچاه محدود می‌شود:

✓ اصل حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود به عنوان یکی از قواعد آمره در حقوق بین‌الملل (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰)،

✓ رویه‌های قضایی بین‌المللی در قراردادهای نفتی نظیر آرای صادره در دعوی از قبیل امین‌اوایل، آموکو، لیامکو که در آنها صرفاً حقوق انتظاری از قرارداد که منصرف از مابه‌ازای ذخایر در جای میدان بوده، مبنای محاسبه غرامت قرار گرفته (آقاموسی طهرانی و نعمتی، ۱۳۹۸) و حق مالکیت بر نفت در جای مخزن شناسایی نشده است. (محبی، ۱۳۸۵)

از دیگر سو، منطبق بر استاندارد حسابداری شماره ۶۹ آمریکا و بیانیه رویه‌های توصیه شده سال ۲۰۰۱ بریتانیا، ذخایر اثبات شده نفت و گاز هیچگاه به عنوان دارایی شرکت‌های نفتی بین‌المللی محسوب نشده و در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱، افشای اطلاعات مربوط به ذخایری که در تملک شرکت نفت و گاز نیست، جهت تصمیم‌گیری مناسب‌تر سهامداران و بستانکاران الزامی فرض شده ولیکن درج آن در طبقه دارایی‌ها به عنوان بخشی از صورت‌های مالی، ممنوع شده است. در الزامات حسابداری بریتانیا، حتی الزامی به افشای اطلاعات ذخایر نیز وجود ندارد. (آقاموسی طهرانی و نعمتی، ۱۳۹۸)

۲-۵. موانع حقوقی کاربری الگوی امتیازی از منظر قانون اساسی و حقوق

موضوعه

اگر بخواهیم از منظر قانون اساسی به موضوع به کارگیری الگوی امتیازی بنگریم بایستی در اصول مرتبط با موضوع نفت و منابع نفتی شامل اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۱ و ۱۵۳ دقت نماییم. اخیراً در پژوهشی اینچنین استدلال شده است که مالکیت شرکت نفتی بین‌المللی بر نفت و گاز تولیدی که

براساس رویکرد امتیازی جدید نسبت به توسعه منابع نفتی اقدام کرده باشند، به جز ممنوعیت اصل ۸۱ قانون اساسی^۱، شامل ممنوعیت دیگری باشند. در باب ممنوعیت مقرر شده در این اصل، در پژوهشی دیگر این گونه استدلال شده که اگر معنای عام ملاک عمل باشد، هرگونه سرمایه گذاری خارجی در کلیه بخش های اقتصادی، تحت مشمول این اصل قرار گرفته و مطلقاً ممنوع خواهد بود لیکن اگر معنای امتیاز را به صورت عام و کلی به یک بخش از صنعت، تجارت یا خدمت تعبیر نمود، قراردادهای امتیازی نسل قدیم را به ذهن تداعی مینماید. حال اگر واگذاری امتیاز مربوط به یک میدان خاص و در چارچوب یک قرارداد تجاری منظور نظر باشد، مشمول منع مقرر در این اصل نخواهد شد (شیروی و مجد، ۱۳۹۱).

از دیگر سو، از آنجایی که دولت میزبان، تصمیم گیرنده نهایی پیرامون پیشبرد عملیات نفتی است و از طرق مختلفی مانند تأکید بر تولید صیانتی، کنترل و نظارت بر عملیات نفتی و توافق بر روی مبنای قیمت گذاری می تواند اعمال حاکمیت کند و لذا سلطه بر منابع نفت و گاز نیز منتفی است و در اینکه سرمایه گذاری در یک پروژه نفتی را با سازوکار جدید قراردادی برابر با سلطه بیگانه تفسیر کنیم، تردید جدی وجود دارد. (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱)

همچنین اصطلاح سلطه مورد اشاره در اصول ۴۳ و ۱۵۳ قانون اساسی در صورتی معنا پیدا می کند که در قرارداد، حقوق ویژه ای به طرف خارجی اعطا گردد و وی را در حالت انحصاری قرار دهد تا به واسطه آن بتواند از ورود دیگر سرمایه گذاران و اقدامات حاکمیتی بخش دولتی نظیر نظارت و مدیریت بر جریان سرمایه گذاری جلوگیری به عمل آورد. (امانی و حمیدزاده، ۱۳۹۴) از آنجا که مقررات بیشتری در قانون اساسی ذکر نشده و این مهم به قانونگذار عادی سپرده شده است تا حسب مورد و به تفصیل، کنترل های لازم را اعمال نماید و لذا در قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی (۱۳۸۱) به منظور جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه از طریق سرمایه گذاری خارجی، کنترل های متعددی لحاظ گردیده است. (شیروی، ۱۳۹۳)

از طرفی، چنانچه دولت بخواهد بر مبنای اصل ۴۵ قانون اساسی، از معادن به عنوان ثروت عمومی استفاده نماید، بایستی نسبت به استخراج ماده معدنی اقدام کند و سپس به فروش یا

۱. دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

صرف آن در پروژه‌های عمران و توسعه کشور اقدام نمایید، ولذا از این اصل چنین برمی‌آید که اگرچه مالکیت معدن قابل واگذاری نیست ولیکن مالکیت ماده معدنی پس از استخراج لزوماً باید براساس قاعده حیازت قابل ایجاد باشد و یا انتقال آن ممکن، تا بتوان از آن به عنوان ثروت عمومی در راه منافع عامه مصرح در قانون اساسی، استفاده نمود، (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱) از سوئی دیگر اگرچه در برخی موارد، ماده استخراجی از معدن همان معدن تعبیر شده است (یثربی و سبزواری، ۱۳۹۶) ولیکن باید بین ماده معدنی و خود معدن تفکیک قائل شد. (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱)

در ادامه، به منظور شناسائی و احصاء چالش‌های پیش‌روی استفاده از الگوی امتیازی در طرح‌های ذخیره‌سازی، به بررسی سیر تاریخی قانون‌گذاری در باب قراردادهای بالادستی می‌پردازیم.

طبق ماده ۲ قانون نفت (۱۳۶۶) منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت‌های عمومی است که مستند به اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد، همچنین اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی بوده لیکن در باب مالکیت بر نفت تولیدی در سرچاه سخنی به میان نیامده است. در سالهای بعد از تصویب قانون نفت (۱۳۶۶) و تا زمان تصویب قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰) که نسخ صریح قانون نفت (۱۳۵۳) اتفاق افتاد، احکامی از قانون نفت (۱۳۵۳) که صراحتاً نسخ نشده بودند همچنان مجری بوده ولذا بر مبنای ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳)^۱، در کلیه قراردادهای تا سال ۱۳۹۰، که همگی از نوع خدماتی یا بیع متقابل بوده‌اند، بر مالکیت شرکت ملی نفت بر نفت تولیدی در سرچاه اذعان شده است. همچنین براساس شرایط و توافقاتی ذیل قرارداد فروش نفت، مالکیت نفت به شرکت نفتی منتقل شده است. (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶) با تصویب ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰)، به صراحت مواد باقی مانده قانون نفت (۱۳۵۳) که در قانون نفت (۱۳۶۶) نیامده، نسخ شده ولذا عملاً ممنوعیت موجود در ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳) منسوخ شده است.

از سویی دیگر، با توجه به این مسئله که در کلیه مقرره‌های قانونی همواره بر مالکیت عمومی منابع نفتی تأکید گردیده، با دقت در تعریف اصطلاح «منابع نفتی» در قوانین نفت

۱. ماده ۱۹ - مالکیت نفت: نفت تولید شده از منابع نفتی ایران در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. شرکت مزبور نمی‌تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده است به غیر انتقال دهد.

کشورمان نظیر ماده یک قانون نفت (۱۳۶۶)، بند سه ماده یک قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰)، ماده ۲ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۵) و ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، می‌توان گفت که نفت تولیدی در سرچاه، از شمول «منابع نفتی» که تحت رژیم مالکیت عمومی است، خارج شده‌است. از دیگر سو، با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳) به «نفت تولید شده از منابع نفتی ایران» تصریح نموده است که «در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود» و در ادامه تأکید می‌کند که «شرکت مزبور نمی‌تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده‌است به غیر انتقال دهد»، از منظر تفسیر قانونی، بنا بر تصریح قانونگذار در انفکاک بین دو مفهوم «نفت تولید شده از منابع نفتی ایران» و «نفت را مادام که استخراج نشده‌است»، با استفاده از سابقه ادبیات قانونی، می‌توان اینگونه تفسیر نمود که این تفکیک در زمان نوشتن متن قانون نفت (۱۳۶۶) و قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰) نیز علی‌القاعده، مد نظر نویسندگان قانون بوده ولیکن قانونگذار صرفاً در رابطه با منابع نفتی، به شکل حصری، مقرر مبنی بر مالکیت عمومی وضع نموده و منطقاً راجع به مالکیت نفت تولیدی در سرچاه تلقی عمومی بودن نظیر آنچه پیرامون منابع نفتی مقرر کرده یا دولتی بودن نظیر آنچه در ماده ۱۹ قانون نفت (۱۳۵۳) آمده است، ندارد.

در بند ب ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴) - (۱۳۹۰)، وزارت نفت مکلف شده‌است تا برای فعالیتهای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز، پروانه بهره‌برداری^۱ بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی صادر نماید. با استناد بر همین دلالت قانونی، پژوهشی دیگر چالش را بر سر این موضوع می‌داند که اگرچه در همه قوانین صرفاً سخن از حفظ مالکیت منابع نفتی یا منابع معدنی است لیکن اساساً پذیرش بحث انتقال مالکیت محصول مستند به عبارت «بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی» مندرج در بند ب ماده ۱۲۹ دشوار است. (گودرزی و باقری، ۱۳۹۴) البته گذر زمان مناقشه فوق را حل نموده و با توجه به اعتبار زمانی قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه^۲ و عدم وجود مقرر صریحی در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری

۱. مجوز صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید که از ویژگی‌های ترتیبات امتیازی است، در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم

توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱) مقرر شده است. (افشاری و همکاران)

۲. ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنجم توسعه: این قانون تا پایان سال ۱۳۹۴ هجری شمسی معتبر است.

اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، این مقررۀ عملاً بلااثر شده و استدلال یادشده نیز منتفی خواهد بود.

جزء ۳ بند ت قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، الگوهایی قراردادی را که به انتقال مالکیت نفت در مخزن منتهی شوند ممنوع اعلام کرده ولیکن دلالتی در باب مالکیت نفت تولیدی در سرچاه ندارد. عدم تصریح قانونگذار بر مالکیت دولتی «نفت و گاز موجود در مخازن» همانند ماده ۱۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، می‌تواند محملی بر این باشد که نفت تولیدی در سرچاه قابلیت انتقال و تملک به غیر داشته باشد. در پژوهشی آمده است که این قانون در مقایسه با سایر قوانین مربوطه من جمله قانون نفت (۱۳۶۶)، قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰) و قانون برنامه پنجم توسعه، به واسطه موضوعات خاص مطروحه و نوآورانه آن، می‌تواند به عنوان قانون مرجع در تبیین قراردادهای نفتی مطرح شود. (کهن هوش نژاد، ۱۳۹۹) همچنین در پژوهشی دیگر بیان شده که نظام قانون‌گذاری به سمت تجویز استفاده از الگوی امتیازی متمایل بوده و بر مبنای قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، به نظر می‌رسد استفاده از الگوی امتیازی در صنعت نفت کشورمان بلامانع است. (عامری و شیرمردی دزکی، ۱۳۹۳)

بند ۱۱ ماده ۱۱ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (۱۳۹۵) مصوب هیات وزیران تنها مقررۀ ای است که بر مالکیت دولتی نفت و گاز تولیدی در سرچاه تأکید نموده و نفت، گاز، میعانات و هرگونه فرآورده جانبی حاصل از تولید را کلاً متعلق به کارفرما دانسته است.

گرچه در تحقیقی دیگر بیان شده که مقررۀ کلی موجود در بند ت قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، از لحاظ دلالت، توانایی کنار زدن قانون اساسی و قوانین عادی را نداشته و باید در پرتو سایر محدودیت‌های قانونی تفسیر گردد، لیکن اگر مشارکت در تولید به مالکیت نفت درجا منتهی نشده و مدیریت مخزن را از دست دولت خارج نسازد، فاقد اشکال قانونی است حتی اگر به مالکیت بر تأسیسات و دارایی‌ها منجر شود. همین استدلال حقوقی می‌تواند به ترتیبات قراردادی امتیازی با رعایت دو شرط موصوف تسری یابد. (شیروی و تقی‌زاده، ۱۳۹۹)

در نظری مخالف، استدلال شده که اعتبار شرط موجود در متون قراردادی امتیازی، مشارکت در تولید و خدمت در دنیا مبنی بر انتقال مالکیت نفت در سرچاه یا نقطه

صادراتی، قانون حاکم بر قرارداد است که می‌تواند قوانین ملی، حقوق عرفی نفت یا حقوق نفت فراملی باشد ولذا به دلیل عدم وجود چنین مقرره قانونی صریحی در حقوق موضوعه کشورمان، صرف وجود شرط قراردادی مبنی بر نحوه مالکیت، معتبر نخواهد بود. (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶) از نظر ایشان، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱) نیز مستمسک محکمی بر این قضیه نیست چراکه این قانون بیشتر در مقام بیان وظایف اداری و مسائل شکلی است. (همان) ایشان در پژوهش اخیر خود به این جمع‌بندی رسیده‌اند که شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی با منع جدی قانونی در باب استفاده از الگوی امتیازی در فعالیت‌های بالادستی مواجه نیستند و در این مدل قراردادی، حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز در ید اختیار دولت میزبان بوده ولیکن مالکیت نفت و گاز تولیدی در سرچاه برای شرکت نفتی ایجاد یا منتقل می‌گردد، همانطور که این رویکرد در قانون معدن ایران نیز به کار گرفته شده است. همچنین محدودیت‌های قانونی استفاده از این الگوی قراردادی برای شرکت‌های خارجی را صرفاً محدود به اصل ۸۱ قانون اساسی و ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی مقرر در قانون نفت (۱۳۶۶) و قانون اصلاح قانون نفت (۱۳۹۰) می‌داند. (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱)

در قانون اساسی به طور مشخص از نفت و گاز نام برده نشده لیکن از اصول آن چنین برمی‌آید که این بخش از صنعت در حوزه معادن بزرگ مورد خطاب واقع شده است. (همان) قانون معادن (۱۳۷۷) و اصلاحات بعدی آن، نقطه محاسبه حقوق دولتی یا همان بهره مالکانه را در سر معدن در نظر گرفته که مشابه با آن چیزی است که در قراردادهای امتیازی نفت لحاظ می‌گردد. (همان)

در باب ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی موضوع ماده ۶^۱ قانون نفت (۱۳۶۶)، می‌توان گفت که بر مبنای مقررات مندرج در بند ج ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری (۱۳۸۱)، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی نباید متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی باشد و منظور از امتیاز، حقوق ویژه‌ای بوده که سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار دهد. بر مبنای استدلال شیروی (۱۳۹۳)، اعطای امتیازات کلی در صنعت نفت و گاز نظیر واگذاری امتیاز فعالیت و بهره‌برداری به افراد

۱. ماده ۶: کلیه سرمایه‌گذاری‌ها براساس بودجه واحدهای عملیات از طریق وزارت نفت پیشنهاد و پس از تصویب مجمع عمومی در بودجه کل کشور درج می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی در این عملیات به هیچ وجه مجاز نخواهد بود.

خارجی در بخشی از یک صنعت به طور کلی یا در بخشی از کشور مشمول ممنوعیت اصل ۸۱ شده ولیکن واگذاری امتیاز بهره‌برداری از یک میدان خاص بر مبنای یک قرارداد تجاری، مشمول این ممنوعیت نخواهد بود.

از دیگر سو در جزء الف ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی (۱۳۹۸)، مقرر گردیده که «ارجاع کار توسط دستگاههای موضوع ماده (۲) این قانون صرفاً به مؤسسات و شرکت‌های ایرانی ثبت شده در فهرست توانمندی‌های مندرج در سامانه ماده (۴) این قانون مجاز است. در غیر این صورت و نیاز به استفاده از مشارکت ایرانی - خارجی (با سهم شرکت ایرانی حداقل پنجاه و یک درصد) ارجاع کار با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرائی و تصویب هیأت نظارت موضوع ماده (۱۹) این قانون، مجاز خواهد بود. در موارد خاص که ارجاع کار به شرکتهای ایرانی و یا مشارکت ایرانی - خارجی (با سهم شرکت ایرانی حداقل پنجاه و یک درصد) میسر نباشد، با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه موضوع ماده (۲) این قانون با ارائه مستندات لازم پس از تصویب در شورای اقتصاد، ارجاع کار به مشارکت ایرانی - خارجی (با سهم شرکت ایرانی کمتر از پنجاه و یک درصد) و یا شرکت خارجی بلامانع خواهد بود.»

و لذا در حال حاضر به جز ممنوعیت مقرر در بند ۱۱ ماده ۱۱ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (۱۳۹۵) مصوب هیأت وزیران، مقرر قانونی صریح دیگری در باب رژیم مالکیت نفت و گاز تولیدی در سرچاه وجود ندارد. فارغ از مباحث قانونی، توجه به این نکته الزامی است که استفاده از الگوی امتیازی زمانی میسر خواهد شد که اجماع نخبگانی و زمینه اجتماعی آن در جامعه کاملاً مهیا شده باشد.

۶. تحلیل حقوقی جواز استفاده از الگوی امتیازی در «ذخیره‌سازی»

در فرجام کار پیرامون کاربری الگوی امتیازی در صنعت ذخیره‌سازی، با تأکید بر ویژگی‌های خاص این صنعت و توجه به این مهم که گاز ورودی به طرح ذخیره‌سازی که محور اصلی کلیه فعالیت‌های مرتبط با عملیات ذخیره‌سازی است، مالکیت دولتی دارد، جمع‌بندی بر این است که:

اول: مخزن کاندیدای ذخیره‌سازی در حکم یک منبع نفتی و در شمار مالکیت عمومی دسته‌بندی شده و محتوای در جای آن تحت رژیم مالکیت عمومی است.

دوم: گاز پالایش شده ورودی به طرح ذخیره‌سازی که به مخزن تزریق شده و موضوع قرارداد است، مستند به قوانین فوق‌الذکر و رویه‌های موجود^۱، تحت رژیم مالکیت دولتی است. تأمین‌کننده این گاز، شرکت انتقال گاز ایران است که شرکتی دولتی بوده و صددرصد سهام آن متعلق به شرکت ملی گاز ایران است و مستند به ماده ۵ اساسنامه خود، «وظیفه خرید و حق‌العمل‌کاری گاز طبیعی، اتان، گاز مایع و مایعات گازی از منابع تولید داخلی و خارجی و فروش به مبادی تعیین شده داخلی و پایانه‌های صادراتی و انجام سوآپ فرآورده‌های فوق‌الذکر» را عهده‌دار است. طرح‌های ذخیره‌سازی می‌تواند یکی از مقاصد داخلی فروش گاز باشد.

سوم: در بحث ذخیره‌سازی، گاز تزریقی به مخزن، در شمار مالکیت دولتی بوده و شرکت دولتی محق است تا حسب قوانین موضوعه، هرگونه اعمال حقوق مالکانه نسبت به آن انجام دهد و اتصال این موضوع به مالکیت عمومی نفت در جای منابع نفتی و ممنوعیت واگذاری مالکیت آن در سرچاه، دور از ذهن است.

چهارم: مسئله ذخیره‌سازی و استفاده از الگوی امتیازی در آنرا باید متفاوت از مسئله توسعه و تولید از منابع نفت و گاز در حالت کلی دانست چراکه:

۱. نسبت محتوای بومی تولیدی بار اول از مخزن ذخیره‌سازی در قیاس با میزان گاز بازتولیدی از مخزن مقداری ناچیز است.

۲. موضوع اصلی قرارداد ذخیره‌سازی، گازی است که در هر دوره زمانی به مخزن تزریق و مجدداً بازتولید می‌گردد، مالکیت این گاز، دولتی است.

۳. هدف اساسی از اجرای طرح ذخیره‌سازی، تزریق و بازتولید گاز به منظور ایجاد تعادل در عرضه و تقاضا و همچنین تضمین ایفای قراردادهای بین‌المللی است نه تولید از محتوای بومی مخزن.

پنجم: در باب تردید در ایجاد سلطه و انحصار الگوی امتیازی، می‌توان از شرط قراردادی «حداقل گاز بازتولیدی از مخزن» بهره برد و صاحب‌امتیاز را مکلف نمود تا با هزینه و ریسک خود و در نظر گرفتن کلیه اصول فنی - مهندسی در مراحل طراحی، توسعه و بهره‌برداری، در هر دوره زمانی بازتولیدی، مقدار مشخصی گاز را از مخزن ذخیره‌سازی بازتولید نماید و در صورتیکه از مقدار حداقل شرط شده، کمتر تولید نمود به واسطه عدم

۱. تصویب‌نامه در خصوص اقدام وزارت نفت به نمایندگی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران مصوبه هیات وزیران مصوب ۱۳۹۵،۰۵،۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی

ایفای تعهدات قراردادی، جریمه شده و استحقاق هیچ‌گونه بازپرداختی بابت سود و یا استهلاک هزینه‌های انجام شده بر مبنای قرارداد را نیز ندارد چراکه «در قراردادهای نفتی بالادستی، ریسک عدم دستیابی به اهداف مورد نظر قراردادی، غیراقتصادی و یا ناکافی بودن تولیدات میدان به منظور استهلاک تعهدات مالی ایجاد شده توسط طرف قرارداد، بر عهده پیمانکار خواهد بود.» (منظور و همکاران، ۱۳۹۷) این شرط راهبردی منعکس‌کننده اصل حاکمیت ملی بر منابع نفتی بوده و می‌تواند به نحو مطلوبی از ایجاد انحصار و سلطه بر منابع و صنعت ذخیره‌سازی جلوگیری نماید.

ششم: به منظور رفع ابهام و لحاظ نمودن ممنوعیت مقرر در قانون در باب عدم جواز تملک شخص حقوق خصوصی بر محصول تولیدی بار اول در سرچاه، می‌توان به سهولت و از طریق محاسبه و مقایسه جبری بین میزان گاز تزریقی و گاز استحصالی و همچنین مقایسه بین پارامترهای فیزیکی/شیمیایی دو نوع گاز یاد شده، مقدار محصول تولیدی بار اول را محاسبه نمود و کیفیت مالکیت این قسم محصول تولیدی در سرچاه که از لحاظ کمی مقداری ناچیز است، را منفک از گاز بازتولیدی تحت تملک صاحب امتیاز لحاظ نمود.

مستفاد از استدلالات حقوقی فوق‌الذکر، دقت در حقوق موضوعه و با عنایت به تفاوت‌های ماهوی مابین توسعه میادین نفتی و عملیات ذخیره‌سازی، به نظر می‌رسد که الگوی امتیازی می‌تواند به عنوان مدل مناسبی برای توسعه طرح‌های ذخیره‌سازی به حساب آید و منع قانونی تملک محصول تولیدی در سرچاه، در این مسئله خاص در حالت کلی بلاموضوع و در حالت بدبینانه آن به سهولت قابل رفع است لذا فرضیه تحقیق مبنی بر عدم وجود منع قانونی در کاربست الگوی امتیازی در طرح‌های ذخیره‌سازی تأیید می‌گردد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

مستفاد از مباحث و استدلالات حقوقی فوق‌الذکر و با استناد به دلالت‌های قانونی در حقوق موضوعه، این‌گونه می‌توان گفت که مخزن کاندیدای ذخیره‌سازی به واسطه وجود حتمی محتوای هیدروکربنی بومی، تحت رژیم مالکیت عمومی دسته‌بندی شده و وصف بالادستی بر آن مترتب است. همچنین استفاده از الگوی امتیازی به عنوان پرکاربردترین مدل قراردادی در سطح دنیا در صنعت راهبردی ذخیره‌سازی، می‌تواند اشتیاق و انگیزه لازم را در سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به منظور حضور و توسعه حداکثری ایجاد نماید. از دیگر سو توجه به این مسئله حیاتی است که نظام قراردادی تک‌الگویی در شرایط حاضر و

با عنایت به وجود موانع متعدد سیاسی، اقتصادی و تحریم، نمی‌تواند موتور محرک توسعه این صنعت را به راه انداخته و لذا بایستی متناسب با شرایط و اقتضائات روز، از مدل‌های قراردادی جذابی بهره برد تا ضمن ایجاد تعادل و توازن دوسویه بین اطراف قرارداد، منافع طرفین را تضمین نماید.

مستفاد از مقرره‌های قانونی و استدلال‌ات حقوقی، در الگوی امتیازی جدید، صاحب امتیاز هیچ‌گونه حقوق مالکیتی بر منبع و محتوای درجای آن نداشته و صرفاً و در صورت ایفاء کلیه تعهدات قراردادی خود، بر محصول استحصالی در سرچاه حق مالکیت پیدا خواهد نمود. با عنایت به ویژگی‌های خاص این صنعت و تفاوت‌های اساسی مابین صنعت ذخیره‌سازی و توسعه میادین نفتی از منظر اهداف و کارکرد و همچنین دولتی بودن مالکیت گاز تزریقی، به نظر می‌رسد که مالکیت صاحب‌امتیاز بر گاز بازتولیدی در سرچاه در تعارض با قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نباشد. وجود شرط «حداقل گاز بازتولیدی» در قرارداد نیز می‌تواند انعکاسی از اصل حاکمیت ملی بر منابع و تضمینی بر عدم ایجاد انحصار و سلطه بیگانه بر اقتصاد و صنعت باشد.

در این مدل قراردادی، صاحب امتیاز هیچ‌گونه حقی نسبت به مخزن و ذخایر درجای آن نداشته و صرفاً در صورت ایفاء تعهدات قراردادی خود، بر نفت و گاز بازتولیدی در سرچاه حق مالکیت پیدا خواهد نمود و در صورت پرداخت حقوق دولتی در سرچاه، می‌تواند نسبت به مابقی محصول بازتولیدی اعمال حقوق مالکانه نماید. در باب محتوای بومی تولیدی بار اول نیز اگر قائل به محدودیت قانونی مالکیتی باشیم، به سهولت مسئله قابل حل بوده و کیفیت و کمیت این محصول را می‌توان در سرچاه تعیین و به واسطه ناچیز بودن مقادیر آن نسبت به محصول بازتولیدی، مالکیت دولتی آنرا از طریق شروط قراردادی، تضمین نمود.

۸. تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

۹. سپاسگزاری

از هیئت تحریریه و همکاران محترم پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

ORCID

Ali Ghadamyari

 <https://orcid.org/0000-0003-0228-2227>

MohamadMahdi Hajian

 <https://orcid.org/0000-0001-6647-5058>

۱۰. منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله و عینی، مجتبی. (۱۳۹۷). اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های آن در قراردادهای بالادستی نفتی براساس مدل جامع تفسل (TEFCEL). *فصلنامه علمی دانشنامه‌های حقوقی*، ۱(۱)، ۴۹-۱۱. doi:10.22034/law.2018.239491
- افشاری، حمیدرضا، کاظمی نجف آبادی، عباس و امامی میبدی، علی. (۱۴۰۱). بررسی حقوقی قراردادهای امتیازی جهت اجرای عملیات توسط شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۵ (۹۷)، ۱۷۰-۱۴۳. doi:10.29252/jlr.2022.184757.1586
- امانی، مسعود و حمیدزاده، محمدحسین. (۱۳۹۴). تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت و گاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۶ (۱)، ۱۸۰-۱۵۱. سال ۱۶. doi:0.30497/LAW.2015.1771
- آقاموسی طهرانی، رضا و نعمتی، محمد. (۱۳۹۸). گونه شناسی و آسیب شناسی حقوقی قراردادهای بالادستی نفت و گاز با توجه به حاکمیت و امنیت ملی. *فصلنامه اقتصاد دفاع دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی*، ۴ (۱۲)، ۷۳-۴۷. doi:20.1001.1.25382454.1398.4.12.3.4.
- بهرامی کهیش نژاد، مریم، وطنی، علی، بحرودی، عباس و کاسبی، ساناز. (۱۳۹۲). ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن هیدروکربنی تخلیه شده. *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، (۱۰۸)، ۲۶-۲۰. doi:20.1001.1.25381652.1392.1392.108.5.8
- بهم‌ئی، محمدعلی و آراین، محمد. (۱۳۹۷). مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز. *مطالعات حقوق انرژی*، ۴ (۱)، ۳۶-۱. doi:10.22059/JRELS.2018.251951.186
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰). *کالبدشکافی صنعت نفت ایران*. روابط عمومی وزارت نفت.
- ساردوئی نسب، محمد و زندی، علی. (۱۳۹۷). *قراردادهای امتیازی جدید نفت و گاز، با تأکید بر مجوزهای نفت و گاز انگلستان*. تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- شیروی، عبدالحسین و امین مجد، فاطمه. (۱۳۹۱). سرمایه گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز. *مجله علمی حقوق خصوصی*، ۹ (۲)، ۳۴-۵. doi:10.22059/JOLT.2013.35158.

شیروی، عبدالحسین و تقی زاده، طاهره. (۱۳۹۹). قراردادهای مجاز بالادستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران. حقوق خصوصی، ۱۷ (۲)، ۳۰۰-۲۷۹.

doi:10.22059/JOLT.2021.316073.1006943.

شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). حقوق نفت و گاز. انتشارات میزان، چاپ دوم. شیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران، گنج دانش، چاپ چهل و یکم. عامری، فیصل و شیرمردی دزکی، محمدرضا. (۱۳۹۳). قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولید کننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد. پژوهش حقوق خصوصی، ۲ (۶)، ۱۰۸-۶۳.

https://jplr.atu.ac.ir/article_655.html?lang=fa.

کاظمی نجف‌آبادی، عباس. (۱۳۹۶). مالکیت نفت در قراردادهای نفتی بین‌المللی از منظر حقوق خصوصی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۵ (۱۸)، ۱۶۵-۱۳۱.

doi:10.22054/jplr.2017.7421.

کهن هوش نژاد، روح ... (۱۳۹۹). بهینه‌سازی قراردادهای نفتی ایران. انتشارات دانشگاه امام صادق ع، چاپ اول.

محبی، محسن. (۱۳۸۵). رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت (دعاوی نفتی). مجله حقوقی بین‌المللی. ۲۳ (۳۵)، ۷۰-۹.

منظور، داوود، امانی، مسعود و کهن هوش نژاد، روح‌اله. (۱۳۹۴). بررسی جایگاه حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در قوانین نفت کشور. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴ (۱۵)، ۲۱۷-۱۸۳.

doi: 10.22054/jiee.2016.1884.

نوری، جعفر و خوش‌چهره، فاطمه. (۱۳۹۵). موانع و راهکارهای بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز ایران. مطالعات حقوق انرژی، ۲ (۲)، ۳۴۶-۳۲۳.

doi:10.22059/JRELS.2016.62726.

یثربی، سید علی محمد و سبزواری، حبیب. (۱۳۹۶). مالکیت و مدیریت معادن نفت و گاز در فقه و قوانین ایران. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۰ (۲)، ۵۲۷-۴۹۵.

doi:10.22059/JFIL.2018.128032.668040.

References

- Afshari, H., Kazemi Najafabadi, A., & Emami Maybodi, A. (2022). Legal Investigation of Concession Contracts for Execution of Operation by the Iranian Exploration and Production Companies. *Journal of Law Research*, 25 (97), 143-170. doi: 10.29252/jlr.2022.184757.1586. [In Persian]

- Aghamousa Tehrani, R., & Nemati, M. (2019). Typology and legal pathology of upstream oil and gas contracts with respect of sovereignty and national security. *Defense Economics*, 4 (12), 47-73. [In Persian]
- Amani, M., & Hamidzadeh, M. H. (2015). A Legal Analysis of Production Sharing Contracts in Upstream Petroleum Industries and its Applicability in Iran's laws. *The Journal of Islamic Law Research*, 16 (1), 151-180. doi: 10.30497/law.2015.1771. [In Persian]
- Ameri, F., & Shirmardi Dezki, M. R. (2014). The New Concession Agreements and the Interests of Oil Producer Countries: With Specific Reference to Ownership of the Oil, Host State's Control and Management and the Fiscal Regime of the Agreements. *Private Law Research*, 2 (6), 63-108. [In Persian]
- Bahmaei, M. A., & Arian, M. (2018). Public Ownership of Oil Resources and its Impact on the Choice of Contractual model in the upstream Sector of Oil and Gas Industry. *Journal of Researches Energy Law Studies*, 4 (1), 1-36. doi: 10.22059/jrels.2018.251951.186. [In Persian]
- Bahrami, M., Vatani, A., Bahroodi, A. & Kasebi, S. (2013). Survey of underground storage of natural gas in depleted hydrocarbon reservoirs. *Journal of Oil & Gas Exploration & Production*, (108). 20-26. doi: 20.1001.1.25381652.1392.1392.108.5.8 [In Persian]
- Ebrahimi, S. N., & Eini, M. (2018). The Freedom of Contract Principle and Its Limitations in Upstream Oil Contracts Based on TEFCEL Model. *Legal Encyclopedias*, 1 (1), 11-49. doi:10.22034/law.2018.239491. [In Persian]
- Gao, Z. (1994). *International petroleum contracts: current trends and new directions*, United States of America.
- Group of writers. (2001). *Autopsy of Iran's oil industry*. Tehran, Public relations of the Ministry of Petroleum. [In Persian]
- Kazemi Najafabadi, A. (2017). Ownership of oil in international oil contracts from the perspective of private law. *Private Law Research*, 5 (18), 131-165. doi: 10.22054/jplr.2017.7421. [In Persian]
- Kohanhooshnejad, R. (2020). *Optimization of Iranian oil contracts*. Tehran, ISU press. [In Persian]
- Manzoor, D., Amani, M., & Kohan Hoshnejad, R. (2015). Using Production Sharing Contracts in Iran's Petroleum Industry: A Legal Analysis. *Iranian Energy Economics*, 4 (15), 183-217. doi: 10.22054/jiee.2016.1884. [In Persian]
- Mohebi, M. (2006). International arbitration Precedents, of the Question of compensation, in Oil Disputes. *International Law Review*, 23 (35), 9-70. doi: 10.22066/cilamag.2006.17807. [In Persian]
- Nory, J., & khoshchehreh, F. (2016). barriers and solutions for the operation of Iran's oil and gas shared resources. *Journal Of Researches Energy Law Studies*, 2 (2), 323-346. doi: 10.22059/jrels.2016.62726. [In Persian]

- Omorogbe, Y. (1997). *The Oil and Gas Industry: Exploration and Production Contracts*, Malt house Press.
- Sardoeinasab, M. & Zandi, A. (2018). *Legal analysis of modern concession contracts of gas*, majd law pub. [In Persian]
- Shiravi, A. H. (2014), *law of Oil and Gas*, Tehran, Mizan legal Foundation. Second edition [In Persian]
- Shiravi, A., & Amin Majad, F. (2013). Foreign Investment in Oil and Gas Upstream. *Private Law*, 9 (2), 5-34. doi: 10.22059/jolt.2013.35158. [In Persian]
- Shiravi, A., & Taghizadeh, T. (2020). The Authorized Upstream Oil and Gas Contracts in the Iranian Law. *Private Law*, 17 (2), 279-300. doi: 10.22059/jolt.2021.316073.1006943. [In Persian]
- Yathrebi, S. A. M., & Sabzevari, H. (2018). Ownership and Administration of Petroleum and Gas Mines in Argumentative Islamic Jurisprudence and the Laws of Islamic Republic of Iran. *Jurisprudence the Essentials of the Islamic Law*, 50 (2), 495-517. doi: 10.22059/jjfil.2018.128032.668040. [In Persian]
- Ziayi Bigdeli, M. R. (2011) *General International Law*, Tehran, Ganj Danesh, 41th edition. [In Persian]



استناد به این مقاله: قدمیاری، علی، حاجیان، محمدمهدی. (۱۴۰۲). بررسی اعتبار حقوقی به کارگیری الگوی امتیازی در ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه‌شده هیدروکربنی، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴۷ (۱۲)، ۱۵۵-۱۷۶.



Iranian Energy Economics is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.